

زندگی قرآنی حضرت زهرا سلام الله علیها

حجت الاسلام والمسلمین علی خادمی*

چکیده

زندگی صدیقه طاهره علیها السلام از زوایای گوناگون قابل بررسی و درس آموزی است؛ حیاتی که پهنه تاریخ، عمری به این کوتاهی و برکات گسترده فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی در دو ساحت مادی و معنوی به خود ندیده است. یکی از زوایای مهم بررسی پذیر در سیره ایشان، زندگی قرآنی «کوثر الهی» است؛ چراکه از یک سو شاهدی گویا بر جدایی ناپذیری قرآن و عترت است؛ از سوی دیگر، دانشگاهی بی بدیل برای الگوبرداری همه سعادت جوینان است. این نوشتار ضمن بررسی در متون دینی برای شناساندن وظایف جامعه در برابر قرآن، با نگاه به زندگانی آن بانوی بزرگ، خواننده را با این مهم آشنا می کند که جای جای حیات صدیقه طاهره علیها السلام منطبق با قرآن بوده است.

کلید واژه ها: زندگی قرآنی؛ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام؛ قرآن و عترت؛ سیره فاطمی.

وظایف جامعه در برابر قرآن

از آیات کتاب الهی و روایات اهل بیت علیهم‌السلام هفت وظیفه جامعه در برابر نعمت بی‌بدیل قرآن به دست می‌آید؛ وظایفی که گاه عمومی است و همه افراد را دربر می‌گیرد و گاه نیز مربوط به قشر خاصی از افراد جامعه می‌شود.

۱. استماع

این وظیفه همگانی را خود قرآن بر عهده ما نهاده است: «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۱ هنگامی که قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید؛ شاید مشمول رحمت خدا شوید».

مفسران در تفسیر این آیه آورده‌اند هنگام قرائت حمد و سوره توسط امام جماعت، مأمومین «واجب» است سکوت کنند و به محتوای قرآن گوش فرادهند. در غیر نماز، این حکم «مستحب مؤکد» است؛ به گونه‌ای که برخی روایات از آن به واجب تعبیر کرده‌اند.^۲ جمله پایانی آیه یعنی «لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» نیز آثار مهم این وظیفه اشاره دارد. بنابراین استماع قرآن در حالات عادی و غیر از نماز، جنبه وجوب فقهی به خود نمی‌گیرد؛ ولی کاری بسیار مهم و شایسته برای عموم مؤمنان است.

۲. تلاوت

این وظیفه را نیز قرآن مطرح کرده است؛ از جمله در آیه ۲۰ سوره «مزل» به این موضوع تصریح می‌کند: «... فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ... فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ...».

برای فهم بهتر موضوع، باید توجه داشت که خداوند در ابتدای آیه دو دستور تقریباً سخت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و همه مؤمنان می‌دهد:

الف) وجوب قیام در هر شب: «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا...»؛

ب) تلاوت ترتیلی قرآن در هر شب: «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا».

در ادامه آیه، «وجوب قیام» تبدیل به استحباب می‌شود؛ «ترتیل قرآن» نیز به «قرائت قرآن» به مقدار میسور بدل گشته است که میسور بودن هر زمانی از شبانه‌روز را دربر می‌گیرد و دیگر مقید به شب نیست. این تکرار دستور قرائت آن هم با طرح کردن مشکلات اساسی زندگی همچون

۱. اعراف: ۲۰۴.

۲. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۴۴.

بیماری، سفر برای تأمین نیازهای زندگی و جهاد در راه خدا، اهمیت دستور را نشان می‌دهد که قرآن همانند نماز، سزاوار نیست لغو شود، بلکه باید انس با قرآن همه‌روزه باشد.

تعبیر «فَاء تَبِيحُهُ فَاقْرَأْ» در هر دو عبارت نشان می‌دهد که اساساً به دلیل وجود همین مشکلات و مسائل ضروری و گوناگون زندگی است که خداوند دستور به ارتباط مستمر با قرآن می‌دهد؛ یعنی آنچه برای ما بهانه فرار از قرائت مستمر است، همان بهانه از نظر الهی دلیل لزوم استمرار قرائت تلقی می‌شود.^۱

در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده است که از جدش نقل می‌فرماید: «فَاقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ لَكُمْ فِيهِ خُشُوعُ الْقَلْبِ وَصَفَاءُ السَّرِّ»^۲ آن مقدار از قرآن را بخوانید که در آن خشوع قلب و صفای باطن و نشاط روحانی و معنوی باشد». چرا چنین نباشد، درحالی که هدف اصلی تلاوت، تعلیم و تربیت است.

تلاوت قرآن به اندازه‌ای اهمیت دارد که حتی در صورت حافظ قرآن بودن نیز توصیه به قرائت از روی نوشته آن شده است. اسحاق بن عمار گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من حافظ قرآن هستم؛ آن را از روی حافظه بخوانم بهتر است یا از روی مصحف؟ فرمودند: «بَلِ اقْرَأْهُ وَانْظُرْ فِي الْمُصْحَفِ فَهُوَ أَفْضَلُ أَمَّا عَلِمْتَ أَنَّ النَّظَرَ فِي الْمُصْحَفِ عِبَادَةٌ»^۳ بلکه آن را از روی مصحف بخوان که افضل است؛ مگر نمی‌دانی نگاه به قرآن عبادت است».

۳. تدبیر

این وظیفه نیز که قرآن از ما می‌خواهد، همگانی است. ده‌ها آیه در این باره وجود دارد؛ از جمله در آیه ۲۹ سورة «ص» می‌خوانیم: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ: کتابی که آن را به سویت نازل کردیم، بسیار بابرکت است؛ برای اینکه در آیات آن ژرف بیندیشند و برای اینکه صاحبان خرد متذکر شوند».

این آیه، دو مرتبه کلی از تدبیر در قرآن را یادآور می‌شود:

الف) تعبیر «لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ» نظر به عموم مردم دارد؛

ب) تعبیر «لِيَتَذَكَّرَ» به طور اختصاصی مرتبه اولوالألباب را نظر دارد؛ گویا آنان از مرتبه تدبیر عمومی گذشته‌اند و به مرتبه تذکر به حقایق رسیده‌اند.

۱. ر.ک: ولی الله تقی‌پورفر، پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن، ص ۴۴۳.

۲. قطب‌الدین راوندی، فقه القرآن، ج ۱، ص ۱۲۷.

۳. همان، ص ۶۱۴.

درنگ در آیات و گاه یک آیه از کتاب الهی به‌ویژه در صدر اسلام، سبب ایمان آوردن فرد یا افراد متعددی می‌شد؛ این نکته یکی از عوامل مهم گسترش سریع اسلام بوده است. درواقع به برکت تدبیر، تحول عجیبی در آنان شکل می‌گرفت و به‌سرعت با حقیقت قرآن آشنا می‌شدند و با جان و دل اسلام را می‌پذیرفتند. نقل شده است فردی خدمت پیامبر ﷺ رفت و گفت از آنچه خداوند به شما آموخته است، به من یاد بدهید. رسول خدا ﷺ او را به شخصی سپردند که به او قرآن بیاموزد. وقتی آن شخص سوره «زلزال» را به او آموزش داد و به آیات «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» رسید، آن فرد گفت کافی است. وقتی خبر به پیامبر ﷺ رسید، فرمود: «دَعَهُ، فَقَهَ الرَّجُلُ: رهاش کن، او فقیه شد».^۱ یعنی او با تدبیر در همین مقدار از آیات، پیام اصلی دین را دریافت کرد.

۴. تعلم و یادگیری

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «يَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلِيمِهِ»^۲ برای شخص مؤمن سزاوار است که نمیرد تا آنکه قرآن را فرا بگیرد یا در حال فراگرفتن آن باشد». یادگیری قرآن هم به معنای یادگیری قرائت کتاب الهی است و هم شناخت محتوا و مضمون آن؛ به همین دلیل خداوند پاداش‌های زیادی برای آن در نظر گرفته است. در حدیث معتبری می‌خوانیم:

مَنْ تَعَلَّمَ مِنْهُ حَرْفًا ظَاهِرًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَمَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَرَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ قَالَ لَا أَقُولُ بِكُلِّ آيَةٍ وَ لَكِنْ بِكُلِّ حَرْفٍ بَاءٍ أَوْ تَاءٍ أَوْ شَبَّهَهُمَا: هر کسی یک حرف ظاهر از قرآن را بیاموزد، خداوند برایش ده حسنه بنویسد و ده گناه از او محو کند و ده درجه برایش بالا برد. فرمود: نمی‌گوییم به هر آیه، بلکه به هر حرفی مانند باء، تاء یا مانند اینها.

۵. تعلیم و آموزش

همان‌گونه که بر فرد فرد مسلمانان لازم است خودشان برای یادگیری کتاب الهی بکوشند، بر دیگران نیز لازم است بر آموزش آن به دیگران اقدام کنند. از یک‌سو متولیان فرهنگی و دینی، از

۱. نصر بن محمد سمرقندی، تفسیر سمرقندی (بحر العلوم)، ج ۳، ص ۶۰۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۰۷.

۳. همان، ص ۶۱۲.

سوی دیگر نیز والدین موظف‌اند این وظیفه بزرگ و عمومی را در رأس برنامه‌های تربیتی خود قرار دهند. در اهمیت تعلیم قرآن به دیگران همین بس که خداوند این مقام را به خود نسبت می‌دهد: «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ؛ خداوند رحمان قرآن را تعلیم فرمود».^۱ در مرحله بعد، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بزرگ‌ترین معلم قرآن است: «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ»^۲ و به آنها [مردم] قرآن را می‌آموزد». میان توده‌های اهل ایمان نیز برترین افراد کسانی دانسته شده‌اند که پس از یادگیری قرآن، به آموزش آن پردازند؛ همان‌گونه که در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ عَلَّمَهُ»^۳ بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آن را آموزش دهد».

۶. عمل به قرآن

می‌توان گفت همه پنج وظیفه پیشین، مقدمه‌ای برای این وظیفه مهم‌تر و اصلی هستند. خداوند در آیه ۵۳ سوره «اعراف» که حال وخیم کافران در قیامت را بازگو می‌کند، عامل اصلی شقاوت و بیچارگی آنان را با عبارت «نسوه/ قرآن را فراموش کردند» بیان کرده است:

يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شَفْعَاءٍ فَيَشْفَعُوا

لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ: کسانی که قبلاً آن [قرآن] را فراموش کرده بودند،

می‌گویند فرستادگان پروردگار ما، حق را آوردند؛ آیا [امروز] شفیعی برای ما وجود

دارند که برای ما شفاعت کنند؟ یا [به ما اجازه داده شود به دنیا] بازگردیم، و اعمالی

غیر از آنچه انجام می‌دادیم، انجام دهیم؟

مفسران در تفسیر آیه پیش‌گفته، نسیان قرآن را به عمل نکردن به آن معنا کرده‌اند.^۴ قرآن برای خواندن تنها نیامده است آمد که در تمام وجودت عمل شود

۷. استناد به قرآن

این وظیفه، بیشتر مربوط به عالمان است که در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود بکوشند با استناد به آیات کتاب الهی، مطالب موردنظر خود را به مخاطبان ارائه دهند. نگاهی اجمالی به سیره عملی

۱. الرحمن: ۱-۲.

۲. در سه آیه، از جمله بقره: ۱۲۹.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۵.

۴. «يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ»، أي يقول الذين تركوا العمل به» (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۵۷).

پیامبر ﷺ و عترت طاهرینش ﷺ نشان می‌دهد آن بزرگواران با اینکه کلام خودشان حق است و از مبدأ عصمت سخن می‌گویند، همراه با ضمیمه کردن آیه یا آیاتی از قرآن، ضمن تفهیم مقصود خود، سعی در تکریم و بزرگداشت کتاب خدا داشته‌اند.

امام صادق علیه السلام پس از آنکه عبدالله محض (عبدالله بن حسن مثنی) با سختی‌های زیادی مواجه شد و فرزندان زنده‌اش و به شهادت رسیدند و خودش نیز در زندان عباسیان گرفتار شد، نامه‌ای در دو صفحه برایش ارسال کردند و به او صبر در برابر سختی‌ها را توصیه نمودند. نکته جالب اینکه تقریباً نیمی از این نامه را آیات قرآنی (۱۴ آیه) تشکیل داده است؛ این مقدار استناد قرآنی، پیامی جدی برای همه ما دارد که لازم است بیش از پیش در گفتار و نوشتار خود به آیات کتاب الهی تمسک کنیم.

فاطمه علیها السلام الگوی زندگی قرآنی

بررسی زندگانی کوتاه اما پربرکت زهرای اطهر علیها السلام، نشان‌دهنده شواهدی از هماهنگی کامل حیات طیبۀ آن بانوی بزرگ با قرآن است.

۱. استماع

فاطمه علیها السلام هنگام تلاوت از زبان پدر بزرگوارشان، به‌خوبی به کلام الهی گوش فرامی‌دادند. نتیجه این حُسن استماع، نقل‌قول‌هایی از آن بانو در اختلاف قرائات است که در موارد اختلاف درباره قرائت برخی واژگان قرآن، به «قرائت فاطمه» اشاره می‌شود.^۱

۲. تلاوت

تلاوت کتاب الهی نه تنها از برنامه‌های دائمی و منظم بانوی بزرگ اسلام بود، بلکه از انگشت‌شمار دلخوشی‌های ایشان به شمار می‌رفت. در کلامی نورانی از آن الگوی بی‌همتا می‌خوانیم: «حُبَّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: تِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ وَالتَّظَرُّفُ فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ وَالْإِنْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۲ از دنیای شما محبت سه چیز در دل من نهاده شد: تلاوت قرآن، نگاه به چهره پیامبر خدا و انفاق در راه خدا».

۱. ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۲۱۸؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۱۲۸.

۲. عبدالله جوادی آملی، نهج الحیاة، ح ۱۶۴.

بر اساس گزارش امام باقر علیه السلام، روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پیغامی را با سلمان فارسی برای فاطمه علیها السلام فرستادند. سلمان می گوید: همین که جلوی درب منزل بانو رسیدم و سلام کردم، متوجه شدم آن حضرت مشغول قرائت قرآن است و آهسته آیات قرآن را بر لب زمزمه می کند و دیدم سنگ آسیاب بدون آنکه دست حضرت روی آن باشد، در حال چرخش و دورزدن است و کسی را نزد حضرتش نیافتم. برگشتم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و عرضه داشتم: یا رسول الله، جریان مهم و عظیمی را مشاهده کردم. حضرت فرمود: آنچه را دیدی، بیان کن. گفتم: همین که جلوی درب منزل دخترت فاطمه علیها السلام رسیدم و سلام کردم، متوجه شدم که وی آهسته قرآن می خواند و سنگ آسیاب می چرخید و کسی را هم نزد او نیافتم. رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن تبسمی فرمودند: «ای سلمان، خداوند قلب دخترم فاطمه را سرشار از ایمان نموده است. تمام وجودش را ایمان و یقین فراگرفته و غرق در طاعت و عبادت پروردگار شده بود؛ از این رو خداوند متعال فرشته ای به نام "روفائیل" را فرستاده است تا وی را کمک کند و همان فرشته بود که سنگ آسیاب را برای دخترم فاطمه چرخانیده است. سپس افزود: بدان که خداوند مهربان تمام امور دنیا و آخرت فاطمه را کفایت خواهد نمود».^۱

تلاوت پیوسته و منظم قرآن از سوی زهرا علیها السلام، کلاس درس عملی برای اطرافیان نیز بود. نمونه اش تربیت فضله خادمه است؛ بانویی که توانست از نعمت بی بدیل ملازمت با آن حضرت به درستی استفاده کند و با الگوگیری از ایشان، آشنایی بالایی با متن و مفاهیم کتاب الهی بیابد و سال های زیادی گفتگوهای روزمره اش را با ذکر آیه مناسب از قرآن سخن بگوید.^۲

تعلق و انس صدیقه طاهره علیها السلام با قرآن به حدی رسیده بود که آن دردانه آفرینش، آرامش خود پس از رفتن از این دنیا را همچنان در قرآن می دید؛ به همین دلیل ضمن وصیت های خود، از امیرمؤمنان علیه السلام می خواهد شب اول قبر، زیاد برایش قرآن بخواند: «... فَأَكْثِرْ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ الدُّعَاءِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ يَحْتَاجُ الْمَيِّتُ فِيهَا إِلَى أُنْسِ الْأَحْيَاءِ».^۳ و بسیار قرآن بخوان و دعا کن؛ زیرا در چنین لحظه هایی میت به انس گرفتن با زندگان محتاج است».

۳. تدبیر

اندیشه در کلام الهی با حیات فاطمه علیها السلام عجین شده بود؛ به همین دلیل ایشان آشنایی کامل با

۱. محمد بن جریر طبری، دلائل الإمامه، ص ۱۳۹.

۲. موفق بن احمد خوارزمی، مناقب خوارزمی، ج ۳، ص ۳۴۳.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۷.

مفاهیم و محتوای کتاب الهی داشتند و می‌توانستند در مقاطع مختلف، از آیه موردنظر برای تفهیم یک مطلب به مخاطب استفاده کنند. فاطمه علیها السلام در تحلیلی قرآنی، ریشه انحراف امت پس از ارتحال رسول خدا صلی الله علیه و آله را بهره‌نبردن مسلمانان مدعی خلافت و پیروان آنها از تدبر در قرآن می‌داند و در ضمن خطبه مشهور خود، این‌گونه به توبیخشان پرداختند:

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةِ إِلَى قِيلِ الْبَاطِلِ الْمُغْضِيَةِ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَائِبِ: «أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»^۱ ای گروه مسلمانانی که به سوی سخن باطل شتاب می‌کنید و از کردار زشت و زیان‌بار چشم‌پوشی می‌کنید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید یا بر دل‌هایتان قفل‌هایی نهاده شده است؟

درواقع اگر آنان اهل تدبر در قرآن بودند، آیات زیادی می‌توانست مانع از انحرافشان شود؛ از جمله آیات ولایت و امامت امیر مؤمنان علیه السلام مانند آیه ولایت، آیه اولوالامر، آیه زکات در رکوع و آیه صادقین.

آری، اگر آنان به یک آیه از سوره «شوری» عمل می‌کردند، همه اختلاف‌ها به وحدت تبدیل می‌شد: «وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذِكُّمُ اللَّهِ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ»^۲ در هر چیز اختلاف کنید، داوری‌اش با خداست؛ این است خداوند، پروردگار من، بر او توکل کرده‌ام و به سوی او بازمی‌گردم).

موضوع خلافت که نخستین اختلاف پس از ارتحال رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، پیش‌تر از سوی خداوند و توسط پیامبرش در زمان‌های متفاوت، از یوم‌الدار در ابتدای نبوت تا غدیر و روزهای پایانی حیات مبارک آن حضرت بیان شده بود؛ ازاین‌رو اگر مسلمانان به جای پیروی از هواهای نفسانی و مطامع زودگذر دنیایی به حکم الهی رجوع کرده بودند، انشقاق‌های پی‌درپی به وجود نمی‌آمد و همگی در سایه ولایت الهی زندگی سعادت‌مندی را تجربه می‌کردند.

۴. تعلم و یادگیری

حیات کوتاه زهرای اطهر علیها السلام همواره با دغدغه یادگیری روزافزون قرآن همراه بود؛ ازاین‌رو ایشان از هر فرصتی برای تعلم الفاظ ظاهری و مفاهیم باطنی کتاب الهی بهره می‌برد. در حدیثی که

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۶، اقتباس از آیه ۲۴ سوره «محمد».

۲. شوری: ۱۰.

ابوذر آن را از فاطمه علیها السلام روایت می‌کند، آن حضرت تفسیر «رجال الأعراف» در سخن خدای متعال را از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ»^۱ و بر اعراف، مردانی هستند که هر یک را به سیمایشان می‌شناسند». پدرم فرمود:

هُمْ الْأَيِّمَةُ بَعْدِي عَلَيَّ وَ سِبْطَايَ وَ تِسْعَةُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ هُمْ رِجَالُ الْأَعْرَافِ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ يَعْرِفُهُمْ وَ يَعْرِفُونَهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ يُنْكِرُونَهُ لَا يَعْرِفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِهِمْ^۲ آنان امامان پس از من هستند؛ علی علیه السلام، دو سبط من [حسن و حسین علیهما السلام] و نه نفر از نسل حسین علیه السلام. آنان مردان اعراف‌اند. جز کسی که آنان را بشناسد و آنان نیز او را بشناسند، وارد بهشت نمی‌شود؛ و جز کسی که آنان را انکار کند و آنان نیز او را منکر باشند، وارد آتش نمی‌شود. خدا شناخته نمی‌شود مگر از راه شناخت آنان.

عبارت «رجال الأعراف» در این روایت به‌صراحت بر امامان دوازده‌گانه تطبیق شده است. درباره عبارت پایانی روایت «لَا يُعْرِفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِهِمْ» نیز گفتنی است در چارچوب اعتقادات امامیه، معرفت صحیح خداوند از طریق معرفت حجج الهی (امامان معصوم) حاصل می‌شود؛ یعنی شناخت امامان در امتداد شناخت و هدایت الهی قرار گرفته است.

۵. تعلیم و آموزش

فاطمه علیها السلام همچنان که همواره در پی تعلم قرآن بود، هیچ فرصتی را برای تعلیم کتاب الهی به دیگران و ترویج و ترغیب به آن از دست نمی‌داد. در روایتی آن حضرت تشویق به تلاوت سه سوره از قرآن را می‌کنند و می‌فرمایند: «قَارِئُ الْحَدِيدِ» وَ «إِذَا وَقَعَتْ» وَ «الرَّحْمَنُ» يَدْعَى فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ سَاكِنِ الْفِرْدَوْسِ^۳ تلاوت‌کننده [سوره‌های] حدید، واقعه و الرحمن در ملکوت آسمان‌ها و زمین، ساکن بهشت معرفی می‌شود».

ایشان در خطبه بی‌نظیر و مشهور خود نیز در همان فرازهای ابتدایی به توصیف قرآن می‌پردازند و می‌فرمایند:

كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ الصِّیَاءُ اللَّامِعُ بَيْنَهُ بَصَائِرُهُ

۱. اعراف: ۴۶.

۲. علی بن محمد خزاز رازی، کفایة الأثر، ص ۱۹۴.

۳. معهد باقرالعلوم علیه السلام، موسوعة کلمات فاطمة الزهراء علیها السلام، ص ۵۴۷.

مُنْكَشِفَةُ سَرَائِرِهِ مُنْجِلِيَّةٌ طَوَاهِرُهُ مُعْتَبِطَةٌ بِهِ أَشْيَاغُهُ قَائِدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ أَتْبَاعُهُ مُؤَدُّ إِلَى النَّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ بِهِ تُنَالُ حُجُجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ وَ عَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ وَ مَحَارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ وَ فَصَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ وَ رُخَصُهُ الْمُؤْهَبَةُ وَ سَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ:^۱ قرآن کتاب گویای خداوند و راستین اوست؛ نوری درخشان و پرتوی تابان است. نشانه‌های هدایتش روشن، اسرارش آشکار و ظواهرش نمایان است. پیروانش به آن شادمان‌اند؛ پیروانش را به سوی خوشنودی خدا راهبری می‌کند و شنیدن و پیروی از آن، انسان را به رستگاری می‌رساند. به وسیله آن، حجت‌های روشن خدا، فرمان‌های تفسیرشده و احکام قطعی او، حرام‌هایی که از آنها هشدار داده شده، دلایل آشکار، برهان‌های کافی، فضیلت‌های سفارش شده، رخصت‌ها و آسان‌گیری‌های بخشیده شده و شریعت‌ها و احکام نوشته شده او به دست می‌آید.

با نگاهی به این متن، ساختاری فشرده و ادبی در برابر خود می‌بینیم که با عباراتی نه‌چندان طولانی، تصویر جامعی از قرآن را با صفاتی متعدد ارائه می‌دهد: کتاب، نور، هدایت، پیروی، نجات، حجت، احکام، فضایل، رخصت‌ها، شریعت.

۶. عمل

جای جای زندگی فردی و اجتماعی بانوی بزرگ اسلام، منطبق با قرآن بود؛ از این‌رو کوچک‌ترین مخالفتی در زندگی معصومانه ایشان با کتاب الهی وجود نداشته است. در ادامه به چند نمونه به اختصار اشاره می‌شود:

الف) شجاعت در دفاع از حق

دینداری همیشه همراه با سختی‌ها و مشکلات بوده است؛ از جمله سرزنش معاندان و جاهلان. بنابراین قرآن یکی از ویژگی‌های بندگان خوب و محبوب خدا را نه‌راسیدن در مسیر دینداری می‌داند: «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»^۲ و از سرزنش هیچ ملامتگری هراس ندارند». وجود نازنین حضرت زهرا (علیها السلام) از واپسین روزهای پس از ارتحال پدر گرانقدرشان احساس کردند جبهه حق محتاج ورود بدون تقیه و آشکارای اوست؛ به همین دلیل با عزمی راسخ وارد میدان مبارزه با منافقانی شد که به دروغ، خود را دلسوزان دین معرفی می‌کردند. این راه، خسارت‌های زیادی

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۹.

۲. مائده: ۵۴.

برای او داشت؛ ازدست دادن حقوق مالی، هتک حرمت خانه و کاشانه خود، ازدست دادن فرزند و در نهایت جان خویش. اما بانوی بزرگ اسلام همه این موارد را به جان خرید و همه تلاش خود را برای دفاع از ولایت که یگانه راه سعادت واقعی مردم بود، به کار گرفت.

(ب) انفاق و ایثار

انفاق و در مرحله بالاتر، ایثار از ارزش های والایی است که قرآن در موارد متعددی از انسان می خواهد. حیات نورانی فاطمه علیها السلام آکنده از عمل کردن به این خواست قرآنی است؛ از جمله اطعام مسکین و یتیم و اسیر در آیه هشتم سوره «انسان». شیخ طوسی می گوید عامه و خاصه روایت کرده اند که این آیه مربوط به اطعام فاطمه علیها السلام و امیر مؤمنان علیه السلام و حسنین علیهما السلام است.^۱

همچنین نقل شده است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در شب عروسی دختر گرامی اش فاطمه علیها السلام، لباسی تهیه کرده بود تا آن حضرت آن را بر تن کند و این شب ویژه و به یادماندنی را با آن سپری نماید. در همان هنگام، زنی بینوا به در خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از ایشان درخواست لباس کرد. فاطمه علیها السلام جز پیراهن شب عروسی که هدیه پدر بزرگوارش بود، لباس دیگری داشت که پیش تر استفاده و کهنه شده بود. با شنیدن درخواست آن زن، فاطمه علیها السلام لباس کهنه را در بسته ای قرار داد تا در راه خدا انفاق کند؛ اما ناگهان با یادآوری این آیه شریفه که می فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»^۲ هرگز به نیکی [و مقام نیکوکاران] نمی رسید، مگر آنکه از آنچه دوست می دارید، انفاق کنید»، در تصمیم خود تجدید نظر کرد و پیراهن عروسی اش را از تن بیرون آورد و به آن زن بینوا بخشید و خودش لباس کهنه را بر تن کرد.^۳

(ج) عبادت و شب زنده داری

قرآن مؤمنان را افزون بر نمازهای واجب پنج گانه، به عبادت شبانه^۴ و ذکر کثیر و دعا سفارش می کند. گزارش های متعددی از عبادت فراوان حضرت فاطمه علیها السلام و اهتمام ایشان به ذکر و دعا گزارش شده است.

۱. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۱۱.

۲. آل عمران: ۹۲.

۳. قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۴۰۱.

۴. آل عمران: ۱۷؛ احزاب: ۴۱؛ فرقان: ۷۷.

د) عفاف و حجاب

شیوه معاشرت اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام در برخورد با نامحرم و عموم مردان، نمونه بارز دستور قرآن به‌ویژه در سوره‌های «نور» و «احزاب» درباره رعایت موازین و حدود شرعی است.

۷. استناد

مروری بر دو خطبه باقی‌مانده از حضرت صدیقه طاهره علیها السلام نشان‌دهنده استناد فراوان ایشان به آیات کتاب الهی برای رساندن پیام خود به مخاطبان است. در خطبه اول - مطابق متن احتجاج طبرسی^۱ - ۳۲ آیه قرآن مورد توجه بانوی بزرگ بوده است که در بخش‌های مناسب به کار برده است. در خطبه دوم که در جمع زنان مدینه ایراد شد، با اینکه در دوران بیماری و وخامت حال آن حضرت بوده است و متن کوتاهی دارد، ۱۰ آیه به کار رفته است.^۲

الگوپذیری رهبر شهید از فاطمه زهرا علیها السلام

فاطمیه امسال با جای خالی رهبر حکیم و شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مد ظله العالی حال‌وهوای دیگری دارد. آن شهید والامقام با الگوبرداری از مادر شهیده‌اش، انس و ارتباط چشمگیری با قرآن داشت و حیات و ممات قرآنی‌اش، جلوه‌هایی زیبا و به‌یادماندنی برای همیشه تاریخ رقم زد. استماع زیبا و همراه با تفکر در هنگام تلاوت کتاب الهی؛ تلاوت‌های مکرر و منظم قرآن و نیز تدبیر در مضامین آن؛ تلاش‌های زیاد برای ترویج و نشر قرآن؛ زندگی قرآنی در ساحت‌های فردی، اجتماعی و سیاسی خود؛ استنادهای مکرر و فراوان به آیات قرآنی و ... از ایشان شخصیتی قرآنی ساخت که راه و رسمش، چراغ راه آیندگان خواهد بود: «طوبی له و حُسْنُ مآبٍ».

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل‌ابی طالب، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۲. پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، موسوعة کلمات فاطمة الزهراء علیها السلام، قم: انتشارات پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۹۳ش.

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۷ - ۱۰۷.

۲. همان، ص ۱۰۸ - ۱۰۹.

۳. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، قم: بیدار، ۱۴۰۱ق.
۴. دشتی، محمد، نهج الحیة (فرهنگ سخنان فاطمة عليها السلام)، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین عليه السلام، ۱۳۷۲ش.
۵. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی (المسمى بحر العلوم)، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۶. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزة علمیه قم، ۱۴۱۲ق.
۸. _____، مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۹. طبری صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، قم: بعثت، ۱۴۱۳ق.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۱۱. عیاشی سمرقندی کوفی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی (التفسیر)، بیروت: المكتبة العلمية الإسلامية، ۱۳۸۰ق.
۱۲. قطب راوندی، سعید بن هبة الله، فقه القرآن، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۵ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (اصول، فروع، روضه)، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۵. مرعشی شوشتری، قاضی نورالله، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۹ق.
۱۶. نقی پورفر، ولی الله، پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن، تهران: اسوه، ۱۳۸۱ش.
۱۷. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم: آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق.